

از مکتب نیاوران

تا

کابینه توسعه‌گرا

تأملی بر مبانی و مؤلفه‌های شبه‌گفتمان اعتدال

به قلم :

رضا سراج

محمدجواد اخوان

بُرهان

www.BORHAN.ir

فهرست

۱۱ مقدمه

گفتار اول

۱۵ اعتدال؛ از نیاوران تا پاستور

۱۶ مرکز تحقیقات استراتژیک

۲۵ حزب اعتدال و توسعه

۲۷ مکتب نیاوران

گفتار دوم

۳۱ تأملی بر شبهه گفتمان اعتدال

۳۳ گفتمان چیست؟

۳۸ شبهه گفتمان دولت یازدهم

۳۹ ۱. عدم شکل گیری گفتمان در ساحت فکری و اندیشه‌ای

۴۰ ۲. عدم ارائه یک نظام معنایی متفاوت و نداشتن مرزبندی معنایی با سایر گفتمان‌ها

۴۰ ۳. عدم تعیین یافتن مدل‌های دال‌های ارائه شده

۴۱ ۴. عدم غیرت‌سازی شفاف

۴۱ ۵. تناقضات موجود سد راه گفتمان‌سازی

۴۲ ۶. شکل نگرفتن و نامشخص بودن دال مرکزی گفتمان

۴۲ ۷. عدم عملکرد مناسب مکانیسم زنجیره هم‌ارزی و تفاوت

۴۲ توسعه‌گرایی

۴۹ اعتدال

۵۱ نظام معنایی شبهه گفتمان اعتدال

گفتار سوم

۵۳ توسعه؛ نگاه به بیرون یا به درون؟

۶۲ سرمایه‌گذاری خارجی

۶۴	فناوری غرب
۶۶	درون‌زا یا برون‌زا؟
۶۶	۱. تجربه‌های شکست‌خورده جهانی
۶۷	۲. تجربه شکست‌خورده داخلی
۶۷	۱-۲. توسعه برون‌زا در زمان پهلوی
۷۱	۲-۲. توسعه برون‌زا بعد از انقلاب
۷۲	۳. عدم تناسب با اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی
۷۴	۴. نادیده انگاشتن سرمایه‌های خودی
۷۵	۵. نابودی تولید ملی و خودکفایی
۷۸	۶. توقف رشد علمی و فناوری
۸۱	۷. بی‌ثبات‌سازی اقتصادی و اجتماعی

گفتار چهارم

۸۳	از توسعه تعامل‌گرا تا سیاست خارجی توسعه‌گرا
۸۴	سیاست خارجی توسعه‌گرا
۸۹	تعامل‌گرایی با غرب
۱۰۲	اعتمادسازی و تابعیت از هنجارهای بین‌المللی
۱۰۸	تعامل‌گرایی به جای اقتدار منطقه‌ای و تقویت عمق راهبردی
۱۰۹	تجربه سیاست خارجی توسعه‌گرا

گفتار پنجم

۱۱۳	عقلانیت آرمان‌گریز
۱۱۴	عقلانیت ابزاری
۱۲۴	عمل‌گرایی
۱۳۰	آرمان‌زدایی

گفتار ششم

۱۵۳	توسعه و استحاله
۱۵۵	تغییر فرهنگی، زمینه‌ساز توسعه

- ۱۶۳ کثرت گرای و نسبیت فرهنگی
- ۱۶۶ دنیادوستی و ثروت اندوزی
- ۱۶۸ تغییر هویت ایرانی
- ۱۷۷ رویکرد تغییر هویت فرهنگی در کابینه اعتدال گرا
- ۱۸۱ نقد رویکرد تغییر هویت فرهنگی

گفتار هفتم

- ۱۸۹ توسعه آریستوکراتیک
- ۱۹۰ نخمسالاری
- ۲۰۰ توسعه و عدالت اجتماعی

گفتار هشتم

- ۲۱۱ توسعه و وابستگی
- ۲۱۳ استقلال یا وابستگی؟
- ۲۱۶ مشارکت در تقسیم کار سلطه گران جهانی
- ۲۲۱ کدام کشورها الگوی ما برای توسعه هستند؟
- ۲۲۳ توسعه یا وابسته سازی؟
- ۲۲۶ توسعه و جهانی شدن
- ۲۳۱ توسعه وابسته و انقلاب اسلامی

گفتار نهم

- ۲۳۵ در سودای تغییر قانون اساسی
- ۲۴۱ پیوست
- ۲۴۲ کاخ سفید در اندیشه حمایت از عمل گرایان میانه رو
- ۲۴۷ کتاب نامه
- ۲۴۸ الف) کتاب ها
- ۲۵۱ ب) مقالات، گفت وگوها، اخبار و گزارش های رسانه ای
- ۲۵۵ ج) منابع لاتین

ملتی که بخواهد سر پای خود بایستد و اداره کشور خودش را خودش بکند، لازم است که اول بیدار بشود. در طول تاریخ، در این سده‌های آخر، کوشش شده است که ملت‌های جهان سوم خواب باشند، غافل باشند و توجهشان به شخصیت خودشان نباشد و شخصیت خودشان را اصلاً وابسته به غیر بدانند... من عکس مجسمه آتاتورک را در ترکیه (آن وقت که تبعید بودم به آنجا) دیدم که مجسمه او رو به غرب بود و دستش را بالا کرده بود و آنجا به من گفتند که این علامت این است که ما هر چه باید انجام بدهیم، باید از غرب باشد و در کشور ما هم بعضی از روشن‌فکرها (به اصطلاح) گفته بودند که ما باید از سر تا قدم اروپایی و انگلیسی باشیم تا بتوانیم ادامه حیات بدهیم. ما تا نفهمیم که خودمان هم یک شخصیتی داریم، مسلمان‌ها هم یک گروهی هستند و شخصیتی دارند و می‌توانند خودشان هم کار انجام بدهند، تا نخواهیم یک کاری را، نمی‌توانیم و تا بیدار نشویم، نمی‌خواهیم. ما را در غفلت و در خواب نگه داشتند که ما هیچ‌یک از امور صنعتی را قادر بر تحقیق نیستیم. ملت ما فقط لوله‌نگ می‌تواند بسازد، کار دیگر از او نمی‌آید. باور کرده بود این ملت بیچاره روی تبلیغاتی که قدرت‌های پیشرفته و بزرگی کرده بودند و تبلیغات داخلی که وابستگان به آن قدرت‌ها کرده بودند به اینکه ما باید همه‌چیزمان از خارج باشد.

ما باید این جنود ابلیس را کنار بزنیم و امید، که از جنودالله است، در خودمان زنده بکنیم. به خودمان امیدوار باشیم. تکیه به اراده خودمان بکنیم. تبع اراده دیگران نباشیم... اگر این خدمت را این رسانه‌های گروهی، این مطبوعات، این نویسندگان، این گویندگان، این اطمینان را در ملت ایجاد کنند، ما تا آخر پیروز هستیم.

در نگاه کلان به اقتصاد کشورمان، دو جور نگاه وجود دارد. من خواهش می‌کنم به خصوص صاحب‌نظران و همچنین جوانان و عامه مردم عزیزمان به این نکته توجه کنند که دو جور نگاه به رونق اقتصادی و پیشرفت اقتصاد وجود دارد. یک نگاه می‌گوید که ما پیشرفت اقتصاد را باید از ظرفیت‌های درون کشور و درون مردم تأمین بکنیم. ظرفیت‌های بسیار زیادی در کشور وجود دارد که از این ظرفیت‌ها یا استفاده نشده است یا درست استفاده نشده است. از این ظرفیت‌ها استفاده کنیم؛ [یعنی] اقتصاد درون‌زا؛ اقتصادی که مایه خود و ماده خود را از درون کشور و از امکانات کشور و از توانایی‌های مردم خودمان به دست می‌آورد. این یک نگاه است که می‌گویند برای رونق اقتصادی، نگاه کنیم به امکانات درونی کشور و استعدادها را و ظرفیت‌ها را بشناسیم، آن‌ها را به درستی به کار بگیریم، [آن‌وقت] اقتصاد رشد خواهد کرد، نمو خواهد کرد؛ این یک نگاه.

نگاه دوم به اقتصاد کشور، نگاه به پیشرفت اقتصاد با استفاده از کمک بیرون از مرزهاست. می‌گویند سیاست خارجی‌مان را تغییر بدهیم تا اقتصاد ما درست بشود، با فلان مستکبر کنار بیاییم تا اقتصاد رونق پیدا کند، تحمیل قدرت‌های مستکبر را در بخش‌های گوناگون و مسائل گوناگون بپذیریم تا اقتصادمان رونق پیدا کند. این هم نگاه دوم است. امروز شرایط کشور به ما نشان داده است که این نگاه دوم یک نگاه کاملاً غلط و عقیم و بی‌فایده است. همین تحریم‌هایی که امروز علیه ملت ایران اعمال می‌شود، دلیل محکم و متقنی است بر غلط بودن این نگاه؛ یعنی شما وقتی که به امید قدرت‌های خارجی نشستید تا آن‌ها بیایند اقتصاد شما را رونق بدهند و با زیر بار آن‌ها رفتن، اقتصاد را رونق بدهید، آن‌ها به حد کم قانع نیستند... این نگاه، نگاهی است که هرگز به نتیجه نخواهد رسید. باید نگاه کنیم به درون کشور، ظرفیت‌های درونی بسیار است... وقتی که اجازه نمی‌دهند که شما برای زمین خودت از بیرون آب بیاوری، باید چاه حفر کنی و از درون زمین خودت آب بیرون بیاوری تا محتاج آب آن همسایه بخیل نباشی. باید از درون خود استمداد کنیم و بتوانیم کارها را پیش ببریم.

انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۹۲ را می‌توان از حیث نتیجه، یکی از غیر منتظره‌ترین انتخابات تاریخ کشور دانست و البته ویژگی دیگر آن، پیروزی نامزد منتخب با رأی شکننده بود. علی‌ای حال این انتخاب در عمل منجر به کسب آرای بیش از پنجاه درصدی آقای حسن روحانی و به قدرت رسیدن جریانی شد که خود را «اعتدال‌گرا» می‌خواند.

از نخستین روزهای پس از انتخابات، موضوع گفتمان‌شناسی دولت یازدهم و رئیس‌جمهور منتخب و تبیین مفهوم اعتدال، چه از منظر معنا و چه از جهت مصداق، مورد توجه صاحب‌نظران و تحلیل‌گران بوده است. به نظر می‌رسد برای واکاوی هرچه بیشتر این جریان باید پیشینه تحولات و خاستگاه فکری آن را مورد بررسی قرار داد.

از زمانی که جبهه انقلاب و خط امام دچار انشقاق گشت و ثمره آن چپ و راست (و بعدها اصلاح‌طلب و اصول‌گرا) شد، جریانی سعی می‌کرده است تا در میان این دو حرکت کند و از این رو خود را «اعتدالی» یا «میان‌رو» خوانده است. این جریان در دوره موسوم به سازندگی با قشر «تکنوکرات»، که سابقه آن به پیش از انقلاب اسلامی بازمی‌گشت، پیوند خورد و ثمره آن اولین حزب دولت‌ساخته پس از انقلاب یعنی

«کارگزاران سازندگی» شد.

پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ که رادیکالیسم بر فضای سیاست‌ورزی ایرانی سایه افکند، تکنوکرات‌ها خود را هرچه بیشتر به سکولارهای تجدیدنظرطلب نزدیک کردند و از همین رو طیفی از سیاست‌مداران میانه‌رو که گرایش‌های راست‌گرایانه بیشتری داشتند، دور یکدیگر جمع شدند و دومین حزب این جریان، موسوم به «اعتدال و توسعه» متولد شد.

در کنار هم قرار گرفتن این دو واژه، که هر دو از یادگارهای این جریان از دوره سازندگی است، مبنای جهت‌گیری‌های این جریان سیاسی را روشن می‌سازد. درعین حال این دو مفهوم، عام و تفسیرپذیر هستند و باید برای فهم دقیق آن، مقصود طرح‌کنندگان از این مفاهیم را مورد کنکاش قرار داد.

برای این منظور، می‌بایست حلقه فکری این جریان که از مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری (و بعدها مجمع تشخیص مصلحت نظام)، حزب اعتدال توسعه، دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی در پیرامون محور آن، یعنی دکتر حسن روحانی جمع شده و در این باب اندیشه‌ورزی کرده‌اند را مورد مطالعه قرار داد؛ حلقه‌ای که در مراکز فوق، دغدغه اصلی خود را «توسعه» قرار داده و به تدریج آن را معنادهی کرده و برای دستیابی به آن راهبردپردازی می‌کند. آن‌گاه که این طیف در میدان رقابت‌های سیاسی حضور می‌یابد، غیریت و وجه تمایز خود را از دیگران در قالب «اعتدال» تعریف می‌کند و سعی می‌کند آن را در محیط ملی و فراملی تبیین و ترسیم کند.

نگارندگان این کتاب، در جهت شناخت مبانی این رویکرد خاص، تمرکز خود را بر ادبیات و گفتمان چهره‌های محوری و نظریه‌پردازان این حلقه خاص (که از سوی برخی از همین چهره‌ها، «مکتب نیاوران» نامیده شده است) قرار داده و کوشیده‌اند بر این مبنای چهره‌ای کلی از گفتمان این جریان و نیز هدف‌گذاری‌های مطلوب آن ترسیم کنند.

تلاش بر این بوده است تا چکیده‌ای از نگرش این حلقه با تمرکز بر این دو کلیدواژه مهم (یعنی توسعه و اعتدال) گردآوری و نقد و بررسی شود. رعایت امانت در نقل مطالب ایجاب کرده است تا در برخی از اجزای پژوهش، نقل‌قول مستقیم، متعدد و گاه مطول بیاید که ممکن است باعث رنجش و آزرده‌گی خوانندگان شود. با این حال باید

گفت ضرورت حفظ امانت و دسترسی مخاطبان به عین ادبیات گویندگان، این مسئله را ایجاب می‌کند و باید بابت ملالت‌های حاصل از اطاله و تعدد آن، از خوانندگان محترم پوزش طلبید.

از آنجا که مؤلفان برخی از اجزای نگرش و رویکرد این جریان را در تضاد و تناقض با آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی و گفتمان برخاسته از آن دیدند، به تناسب در فصول مختلف آن را مورد نقد و بررسی قرار داده و کوشیده‌اند تا خواننده در عین مطالعه دیدگاه این جریان، نقد این دیدگاه‌ها را در کنار هم مطالعه کند.

لازم است از زحمات جناب آقای حمیدرضا شاه‌نظری، که در تألیف گفتار دوم این کتاب همکاری داشته‌اند، سپاسگزاری شود.

ناگفته پیداست که هر کلام غیر معصومی همچون این نوشتار، عاری از خطا و لغزش نیست و نویسندگان امید دارند تا مخاطبان فرهیخته و بزرگوار این اثر، پدیدآورندگان آن را از دقت نظر و نکات مفید خویش بهره‌مند سازند. امید است این پژوهش مورد بهره‌برداری حق جویان و مورد رضایت باری تعالی قرار گیرد؛ ان شاء الله.

رضا سراج

محمدجواد اخوان